

بررسی تأثیر دریا بر فرهنگ عامه مردم بوشهر

مرتضی شیاسی^۱

مسعود ولی عرب^۲

چکیده

آداب و سنن هر قوم در بردارنده ریشه دارترین ارزش‌ها و تجربیاتی است که طی نسل‌ها در برخورد با تندبادهای حوادث و عواملی که سعی در زوال و کمرنگ نمودن آن داشته‌اند، شکل گرفته است. سنت‌ها و باورهایی که بی‌شک از مهم‌ترین مقولات در تثبیت و قوام رفتارهای اجتماعی داشته و دارند. استان بوشهر بدلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فردش اساساً محور تبادل فرهنگ، تجارت، سیاست، برای داد و ستد کالا و اندیشه‌ها میان ایرانیان، هندیان، آفریقایی‌ها و اروپایی‌ها طی قرن‌های متمادی بوده است. تا جایی که از این کرانه تا کرانه‌های دور دست چین رفتارهای التقاطی به صورت نمادهای اعتقادی تغییر ماهیت داده‌اند که انتساب و اکتساب هر یک از این باورها، باورهای منشعب از دریا و دریانوردی خود جای بحث‌ها مفصل نیست. در این پژوهش برآنیم تا نقش دریا و دریانوردی را به عنوان مسبب نشر فرهنگ عامه در کرانه‌های شمالی خلیج فارس خاصه استان بوشهر مورد بررسی قرار دهیم. هر چند در حوزه‌ی تاریخ و جغرافیای سیاسی اقتصادی بوشهر تحقیقاتی انجام شده است؛ اما جای مسائل مهمی در زمینه فرهنگ و سنت‌های دریانوردی آنچنان که با معیشت و زندگی آنان در آمیخته باشد کماکان مغفول مانده است که امید است با روشن شدن تشابهات نژادی، تاریخی، و فرهنگی و وابستگی عمیق مردمان این سرزمین با فلات مرکزی ایران و که غالباً از ریشه‌های اجتماعی دیگر نواحی پیرامون خود نشأت گرفته است مورد مقایسه و متمایز قرار گیرد. در این پژوهش بدین پاسخ این پرسش هستیم که عوامل جغرافیایی از جمله (آب و هوا، اقلیم) و معیشت در باورها و ویژگی‌های فرهنگی مردم بوشهر چه تأثیری داشته است؟ دریا و دریانوردی در شکل‌گیری و قوام این باورها و اعتقادات تا چه اندازه مؤثر بوده است؟ و شیوه معیشت اعم از کشاورزی، کم‌آبی در کنش‌های اجتماعی و اعتقادات درونی بوشهریان تا چه میزان تأثیر داشته است؟

واژه‌های کلیدی: دریا، فرهنگ عامه، بوشهر، اساطیر، باورهای مردم.

^۱ کارشناسی ارشد تاریخ خلیج فارس دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خلیج فارس بوشهر M.valiarab@yahoo.com

دریاها و اقیانوس‌ها که ۵/۴ سطح کره خاکی ما را فرا گرفته است نه فقط راز پیدایش حیات را در دل خود نهفته دارد. بلکه از آغاز درخشش اولین جرقه‌های تمدن همواره عظیم‌ترین تأثیر را چه مستقیم و چه غیر مستقیم در زندگی بشر به جای نهاده است و چه بسا که مبانی تبادل فرهنگ، تجارت و سیاست از این کرانه تا کرانه‌های دور دست را در خود جا داده است. حوزه آبی خلیج فارس نیز به علت سهم ارزشمندش در محل این تلاقی از این قاعده مستثنی نیست. هر چند که در طی سده‌های متمادی و تماس نسبتاً ناچیز مردمان این نواحی با داخل فلات ایران. این آداب و رسوم با دیگر نقاط ایران تفاوت‌های آشکار دارد. از نظر مردم شناسی بندر بوشهر دارای مردمی خونگرم، مهرورز، کم حرف، زودرنج، کم حوصله و... و در پس این ویژگی‌های رفتاری، دریا و نقش دریانوردی و باورهای منبعث از آن بی شک بر توجیه هر چه بهتر آن می‌افزاید.

بوشهر به عنوان مرکز ثقل تبادلات بازرگانی در سده‌های نخستین هزاره اول پیش از میلاد مسیح کانون جذب رفتارهای اجتماعی دیدگاه‌ها و تجربیاتی است که از کشورهای همجوار کسب نموده است. در این بین، نقش دریا در جابه جایی کالا زمینه را برای افکار و مهاجرت انسانی در حوزه آبی خلیج فارس برای بوشهریان فراهم آورده تا در کشاکش خود را برای استمرار ارزش‌های بومی و میراث ملی، مذهبی، به نحو بارزی در معرض نمایش بگذارند. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی به مسائل پرداخته شده است.. یعنی ابتدا موضوع مورد بحث را توصیف قرار گرفته و سپس به تحلیل مختصری از تشابهات و تمایزات این باورهای منشعب از دریا با دیگر نواحی و ملل همجوار می‌پردازد. آئین‌های باران خواهی، نذر و نیاز، صیادی، تقدس آب، دریامابر، اهل غرق، نوروز، اهل هوا و بسیاری از باورهای از یاد رفته دیگر نشان از غنای فرهنگ این دیار در میان اعصار گمشده و افسانه‌های متمادی و تودرتو بوده که منابع شناختی ما از درک منشاء هر کدام و توجیه و تفسیرشان بی گمان عاجز است. عقاید و باورهایی که سینه به سینه از اجداد و نیاکان به عصر حاضر کشیده شده‌اند. تا جایی که در هر مثل و مثل و حکایتش معنای فراوان نهفته است. به این عبارت می‌رسیم. «تا آب دریا است، زنده باشی»



جمله‌ای پر مغز که پژوهش حاضر می‌خواهد آن را در متن جریان‌های فکری و رفتارهای بوشهریان بکاود؛ زیرا که دریا نماد جاودانگی است و بوشهریان چه بسا حیات خود را در گرو حیات دریا می‌دانند.

آیین‌های مربوط به بزرگداشت آب و قداست آن

دعای باران

بی‌گمان از مطالعه اساطیر و آئین‌ها و رسوم مختلف در میان اهالی خلیج فارس چنین برمی‌آید که «آب» همواره بن‌مایه آفرینش، و زاینده مورد تقدیس و ستایش بوده است که برای آن همیشه سرشتی جادویی قائل بودند. (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۷۵: ۱/۱) این حکم و باور نیز از کرانه نشینان بوشهر، استثناء نیست زیستین در خطه گرم و خشکی که گاه طاقت هر جنبه‌ایی را می‌رباید و در کشاکش زندگی‌شان پهنه‌ای از آب بنام دریا گسترده باشد. نقش این قدیسه را بیش از پیش گرانبها تر می‌کند. وجود اماکن مقدسه بی‌بی زنان که تداعی کننده روان پاک‌ی آب است. در جای جای این استان بسیار مشهود است. بی‌بی خیری- بی‌بی زلیخا- بی‌بی خاتون.... که گویی هر یک از دختران خضر و امشاسپندان الهه آب‌اند آنچنان در اندیشه بوشهریان نشسته است و بر صورت ظاهری رفتارشان نقش بسته که سخت است در گذرگاه زندگی هر یک از این مردمان ردی از این بانوان نبینیم (جشن آب نو) (تعویض آب حوض‌ها و آب انبارها به هنگام نوروز یکی از آن موارد است. جالب اینکه در کنار هر یک از این قدمگاه‌ها درختانی رسته‌اند که در پیوند با این تقدس مقدس مآبی. جای خود را در قلوب مردن نسل اندر نسل گشوده است. حال چرا بیشتر به درختان همجوار با این قدمگاه روی آوردند؟ باید آن را معلول باورهای مذهبی عهد کهن بیش از اسلام آنان دانست و گفت: بزرگداشت درختان از بقایای ادیان بسیار قدیمی مبتنی بر کشاورزی و یگانه پرستی است در نخستین قرن‌های بعد از هجرت، مسلمانان متعصب غالباً با این گونه پرستش‌ها مبارزه می‌کردند. (رائین، ۱۳۵۵: ۲/۱) حیاط یکی از مساجد قزوین درختی مقدس روئیده بود که در زمان متوکل آنرا قطع کردند ولی مردم جای آن درخت را گرامی داشتند و برای توجیه این عمل می‌گفتند که مدفن یکی از اولیاءست. بعد از قرن ۴ و ۵ پرستش درختان و چشمه‌های همجوار با این

شجره‌های طیبه ادامه داشت که مانند بزرگداشت اولیاء با اسلام جوش خورد. در ایران می‌توان درختانی دید که پارچه‌ها و دخیل‌های نذری بدان آمیخته و مانند اولیاء مقدس هستند. مردم برای استدعا، یاری و دعا به این درختان و غالباً چشمه‌ها (که این اخیر ایزد بانو و پرورنده این درختان بوده‌اند و گاهی نقش یک مادر قدیسه برای آنان ایفا می‌کند) روی می‌آورند. و هیچ یک از افراد حتی در منشأ اسلامی این «امکنه مقدسه» شکی به خود راه نمی‌دهند و حال آنکه در باطن امر این پرستش مربوط به زمان پیش از اسلام است. (پتروفسکی ۱۳۵۱:۲۵۵) درختی که ثمره بزرگ و بی بدیل آب در متن زندگی می‌باشد، تنها یکی از ارکان احترام و تکریم تک تک شئون و باورهای آن دیار محسوب می‌شود. در واقع ایشان آب را نه مایع حیات جسمانی که جوهره وجودی خود می‌پندارند، رأفت و عطوفت و خشم و غضب آن در فزونی یا عدم خیر و برکت شکوفایی و پژمردگی زندگی مردم تأثیر داشته تا جایی که احترام و تکریم به «آب» حاکم بر رفتار آنان در برخورد با مسائل گوناگون حیات اقتصادی، اجتماعی، دینی گردیده است. در واقع چیزهایی که تا یکی دو نسل پیش جزء رسوم فرهنگی - مذهبی مردم بوشهر بوده و ما هم اکنون انگ خرافات بدان می‌زنیم در اصل ریشه در تمدن باستان ما دارند. فی‌المثل «دعای باران» در میان مردم بوشهر و پارهایی از نقاط دیگر ایران رواج داشت چیزی جزء راز و نیاز به درگاه «آناهیتا» نبود.

چون مدتی بود که باران مطلوب اهالی و زراعت کاران آن ولایت نبود و زراعت دیمی که اغلب و عمده زراعت آنجاست به جهت عدم بارندگی به تأخیر افتاده. مردم تشویش خشکسالی و گرانی داشتند. لهذا روز جمعه (۶ ربیع الاول ۱۲۷۲) بعد از ادای نماز، علمای اعلام بر منابر موعظه نموده و جارچی انداخته و عبادا.. را به دعای باران اخبار کردند و سه روز عموم مسلمین روزه داشتند و به همراه علماء بسیاری از خلق الله به خارج از شهر مجتمع گشتند و به شرایط دعای باران اقدام نمودند. (روزنامه وقایع الاتفاقیه - نمره ۳۶۴، سال ۱۲۷۴ هـ.ق. / ۲۴۳) و یا به هنگامی که که باران کم می‌بارید و فاصله زمانی بین دو باران زیاد می‌شد. ابتدا شله گندمی به اتفاق اهالی محل درست می‌کردند و مهرهایی را در آن قرار می‌دادند، سپس شله را در ظرف ریخته و در حال خوردن، هر گاه مهره در لقمه یکی از اهالی قرار





می‌گرفت اگر چند روز پس از ریختن آتش باران نمی‌آمد سنگ آسیاب را که وزن سنگینی داشت روی شانه کسی که مهره در لقمه او قرار گرفته بود می‌گذاشتند و به سمت قبله حرکتش می‌دادند و با خواندن دعا از خداوند درخواست باران می‌کردند این مراسم به «قبله دعا» معروف بود. (غریبی: ۱۷)

مراسم کوسه

گون‌هایی دیگر از مراسم باران خواهی گلی ساختن یا گلی در آوردن است و بدین طریق است که مردمی را لباس زشت و مندرس بر تن می‌کنند و صورتش را سیاه کرده و با بستن شاخ و برگ درخت خرما بر لباس وی به دنبالش راه می‌افتند و نیز مرد دیگری را با عنوان عیال گلی که (کوسه) نام می‌گیرد. در هیئت زنی در می‌آوردند و پشت سر گلی (شوهرش) به راه می‌اندازند و در حالی که می‌رقصند و ادا و اطوار در می‌آورند. انبوه جمعیت او را به جلو می‌رانند و در کوچه‌های محله گشت می‌زنند. این تعغیب و گریز تا ساحل دریا ادامه دارد و زان پس ادامه این مراسم را در دامنه دریا برگزار می‌کنند که شاید این ایستایی بر کرانه دریا نشان از توقف و تسکیمی در برابر بیکرانه دریا داشته باشد جایی که بیش از این ادامه پیشروی نیست و هنگام و اهالی محل را در آنجا به ادامه این باران خواهی دعوت می‌کنند. از این جاست که همراهان گلی جهت جمع‌آوری آذوقه (شله گندمی) از اطرافیان طلب مساعدت می‌کنند. گروه به دو دسته تقسیم می‌شوند. دست‌هایی گلی به داخل محله‌ها رفته و درب هر خانه را که می‌زنند با نوای آهنگین اهالی را از طلب غذای خود با خبر می‌کنند و دست‌هایی «کوسه» بر کناره دریا ایستاده و در انتظار آمدن قوت آنروزشان به نواختن و نی و طبل می‌پردازند و تا دست‌هایی که برای آوردن (شله گندمی) رفته‌اند باز نگشته‌اند. از نواختن بیکار نمی‌نشینند. و اما در محله... یکی از افراد آن خانه از پشت بام پیاله‌ایی آب بر روی گلی و همراهان او می‌پاشند و با پاشیدن آب، آنان بلادرنگ می‌گویند «نه او بی - بارون بی!!» سرانجام پس از رفتن و گشتن تمامی خانه‌ها و فراهم آوردن آذوقه کافی به کناره دریا باز می‌گردند. (احمدی ریشه‌ری ۱۳۷۵: ۱/ ۹۶-۹۸)

آنچه در مراسم گلی توجه ما را به خود جلب می‌کند. معنای گلی - کوسه - و منشأ پاشیدن آب بر روی گلی و همراهان می‌باشد. گلی از ترکیب گل: خاک + ی = نسبت به شخص زشت و بد قیافه‌ایی که لباس پاره پاره و گل آلود بر تن دارد اطلاق می‌شود. همچنین نام کوسه بر روی زن گلی یادآور جشنی است به نام (کوسه بر خر نشین) که ایرانیان باستان در اول آذر هر سال آن را بر پا می‌داشتند و این جشن تا روزگار ابوریحان در شیراز مرسوم بود.

در این باره می‌نویسد: آذر ماه به روزگار خسروان، اول بهار بود، نخستین روز از دی از بهرفال مردی بیامدی کوسه (بی ریش) بر خری نشسته و به دستش کلاغی گرفته و یا، با بادبزن خویشتن باد همی زد و زمستان را وداع می‌کرد. و منشأ پاشیدن آب بر روی گلی به قرن‌های دور بر می‌گردد. آنگاه که نبی آدم به تقلید از خداوند در ریزش باران بر سر خلق اقدام می‌کرد. (بیرونی، ۱۳۵۱: ۳۵۶) در مراسم گلی قربانی کردن برای آب در کنار دریا تصویر آن‌ها را در رسوبات فرهنگی و اعتقادی عهد کهن برای ما تداعی می‌کند در جستجوی آن‌ها به آیین نوروز می‌رسیم.

نوروز دریا

دریانوردان ساحل نشین بوشهر نوروز را یکی از مهم‌ترین پدیده‌های فرهنگی در قالب زندگی خود بر می‌شمرند که در سواحل جنوب ایران و حتی در گستره وسیعی از اقیانوس هند در تقویم دریانوردی جای گرفته است. از آنجا که نوروز در خلیج فارس به طور کامل با شرایط نجومی، وزش بادهای و نیز تغییرات اقلیمی تطبیق دارد. بنابراین کلیه ساکنان و دریانوردان خلیج فارس آن را از قدیم الایام با عنوان مبنای فعالیت‌های هماهنگ خویش پذیرفته‌اند. چنین هماهنگی فقط با به کار بردن تقویم شمسی امکان‌پذیر بود. تداوم رسم و سنت به کارگیری نوروز به عنوان مبدأیی برای محاسبات نجومی و سرانجام سفرهای دریایی کم‌کم موجب پدید آمدن نوع خاصی از نوروز موسوم به «نوروز دریا» در منطقه خلیج فارس شده است. (وثوقی و خیر اندیش، ۱۳۹۴: ۲۴۸-۲۴۷) ایرانیان باستان دهم مرداد ماه هر سال را که برابر است با چهارمین روز ماه اوت فرنگی به نام نوروز دریایی می‌نامیدند و آن را روز شروع





دریانوردی قرار داده بودند. در این روز که آغاز آرامش آب‌ها و بهار دریا و وزش بادهای موسمی است. جشن می‌گرفتند و با گل و گیاه و شاخه سبز درختان. خصوصاً با موز و نارگیل و میوه‌های گرمسیری به میانه دریا می‌رفتند و پس از شکر و سپاس به درگاه خداوند که دریا را برای آن‌ها آفریده و آن را دام و مسخر آن‌ها ساخته. گل و گیاه و میوه‌ها را به نذر فرشته آب و دریا هدیه می‌کردند. و پس از یک روز شادمانی و اجرای نمایش‌های میدانی به بنادر و جزایر محل سکونت خود باز می‌گشتند و از فردای آن روز با امید فراوان و با عنایت خداوند سفرهای دور و دراز از دریای خود را آغاز می‌کردند.

نوروز دریایی روزی برای جشن زمان است. روزی برای آرامش دریا و زمانی که در آن باید کار دریایی را (صید و صیادی و تجارت و سفر) آغاز کرد. در این روز در اوستا با نام «امرتات» یاد می‌شود. و جشن «امردادگان» که با الهام از نقش آب و با آب پاشان در ایران و موز و نارگیل به آب انداختن در هند و برخی از کرانه‌های دریایی آفریقا آغاز می‌شود. این جشن دریایی دارای دو بُعد جسمانی و غیر جسمانیست. در بُعد غیر جسمانی سخن از جاودانی و بی‌مرگی و روندگی دارد و در عالم جسمانی آن است که نگهبان گیاهان و روئیدنی‌هاست. (وداوی، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۹۱)

بدون شک این دریانوردی گسترده و طولانی با بهره‌گیری از نجوم و تقویم صورت گرفته است. و مبدأ آن می‌بایست خلیج فارس باشد. چنانکه شهر «جم» در نزدیکی سیراف از یادگارهای جمشید جم است. و در خلیج فارس از شهری بنام جمشید گرد هم نام برده‌اند. نوروزی که جمشید بنا نهاد در اول برج حمل یعنی فروردین بود و این همان نوروزی است که کیومرث اولین انسان و شهریار تأسیس کرده بودند. اگر چه بعدها نوروز دچار تغییرات شد و به برج اسد و حتی برج سرطان نیز برده شد. (خیام نیشابوری، ۱۳۷۹: ۲۰-۱۹ و ۱۲) اما در خلیج فارس همواره نوروز در اول برج حمل باقی ماند و نوروز دریا بر اساس آن محاسبه گردید. یکی از دلایل این امر آن بود که ثروت حاصل از تجارت دریایی که شامل طرایف دریا- جواهرات- مواد خوشبو و دیگر کالاهای گرانبها بود. طمع فرمانروایان دوره‌های گوناگون از جمله اعراب بعد از اسلام را برانگیخت؛ زیرا طبق رسم ایرانیان در هنگام نوروز مردمان به فرمانروایان هدایایی می‌دادند. طمع دریافت هدیه فرمانروایان عرب را به تداوم برپایی چنین جشنی

برمی‌انگیخت. چنانکه ناخدا شه‌ریار بزرگ رامهرمزی می‌نویسد: در هنگام جشن مهرگان، مردمان زرتشتی به حاکم عمان هدیه‌ای دادند. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۸۸)

چنین شرایطی موجب شد تا حدود زیادی در نواحی خلیج فارس امکان بیشتری برای تداوم این امر وجود داشته باشد حضور مؤثر زرتشتیان در خلیج فارس در قرون نخستین اسلامی و پیوند آنان با زرتشتیان نواحی داخلی فارس کرمان و خراسان نیز بدین امر کمک می‌رساند. بر اساس برخی منابع تاریخی، روز شمار ماه‌های سال در قرون نخستین اسلامی در این نواحی بر اساس تقویم شمسی بوده و ماه‌ها به همان نام‌های «مزدیسنا» نامیده می‌شده است. (نرشخی، ۱۳۵۱: ۲۵) با این همه احوال به دلیل کاربرد دقیق نوروز در دریانوردی و تجارت خلیج فارس همواره آنرا به دقت محاسبه و اجرا می‌کردند. همچنین احتمال دارد زرتشتیان نواحی کرمان- یزد و فارس که با تجار سواحل خلیج فارس مرآده داشته‌اند بدین امر مرآودت ورزیده‌اند. در این میان تداوم فعالیت آتشکده «کاریان» که خاص موبدان بوده را باید مد نظر داشت. این آتشکده گزارش‌های منابع تاریخی با «سیراف» که بندری در مقیاس جهانی در قرون نخست اسلامی بوده پیوند داشته است. این امر که در قدم اول به دلیل الزامات جغرافیایی و نیز ضرورت‌های فنی دریانوردی بود با عنایت به تمدن و فرهنگ ایرانی به تدام سنت برپایی نوروز در سواحل خلیج فارس کمک بسیار رساند. عمومیت و گسترش آن نیز موجب شد که سدیدالسلطنه آن را با نام نوروز عرب یا نوروز دریا، در آثارخویش معرفی کند گزارش او درباره نوروز ذر خلیج فارس چنین است: «نوروز عرب یا نوروز دریا که ناخدایان به حساب آن مسافرت کنند همان نوروز قدیم و نوروز عامه است که بدایت آن فروردین ماه قدیم. مطابق برج اسد در ماه آگوست فرنگی است.» (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۲۶-۲۵)

اما نزد ما ایرانیان همیشه پیش در آمد نوروز اسباب پاسداشت روزی است که در آن برابر است با تجدید آئین نیاکان از پس پرده تاریکی و شبهای سرد زمستانی. آنجا که شب چراغ محفل گرممان آتش افروخته‌ایی است که در «چهارشنبه سوری» بهانه خلق خاطرات شگفت می‌شود. این رسم کهن و پر ز نور که مستعنی از منطق شرقی و پر بار از رنگ و بوی عبودیت و بندگیست. در کرانه خلیج فارس





بالاخص بوشهر با آهنگی متفاوت نواخته می‌شود. رسم برافروزی آتش و چهارشنبه آخر سال تا یک سده پیش نزد مردم بوشهر ناشناخته بود. اما این بدان معنا نبود که آنان بیش از این آگاهی فرهنگی درباره چهارشنبه سوری نداشتند و آن را فراموش کرده باشند تفاوت تنها در برگزاری سالهای شمسی و قمری آن است که بوشهریان به این اخیر (آخرین سه‌شنبه ماه صفر) می‌پرداختند. حال چرا شب چهارشنبه ماه صفر را برای این کار در نظر گرفته بودند؟ شاید این باور برای آن بود که ماه صفر و بویژه سیزدهمین روز آن را بسیار سنگین و بلا خیز قلمداد می‌کردند. بنابراین برای جان سالم به در بردن از این نحوست ماه صفر و مخصوصاً به خاطر آنکه نحوست آن ماه به ماه‌های بعد منتقل نگردد و به همان ماه ختم شود. به گونه ذیل عمل می‌کردند: در پسین سه‌شنبه ماه صفر به کنار دریا می‌رفتند و پاهای خود را تا ساق در آب می‌زدند و ضمن آنکه چند عدد سنگ به درون آب پرتاب می‌کردند و می‌گفتند «درد و غم در بیشو - تر او دریه بیشو». اعتقاد داشتند که این کار را باید تا پیش از غروب آفتاب انجام دهند و اگر به ساعات بعد انجامد فایده‌ایی نخواهد داشت. و حتی بر این باور خرافی دیگر بودند که همزمان با غروب آفتاب (در روز مذکور) پرندهایی از آسمان خود را به دریا می‌اندازد و باید هر چه زودتر پاهای خود را به دریا بزنند... نیز بعد از بازگشت از دریا. بیست و یک عدد سنگ ریزه از هفت راه (سنگ هفت راه) را جمع‌آوری می‌کردند (از هر راه ۳ سنگ، جمعاً ۲۱ سنگ) و آن را در زیر تا به گرمک که آن را زیر آتش جای داده بودند می‌نهادند و چند بار از روی آن می‌پریدند. آنگاه سنگ ریزه‌ها را درون ظرف پر از آب ریخته و آب روی آن را به همه افرادی که در آنجا جمع آمده بودند، می‌خوراندند! هر گاه چهارشنبه سوری با فصل تابستان تقارن پیدا می‌کرد. معمولاً نوجوانان (پسر یا دختر) در صبح روز چهارشنبه راهی دریا می‌شدند و مراسم چهارشنبه سوری با شنا کردن در آب جاری می‌کردند. (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۷۵: ۴۳۸/۱ - ۴۴۰)

راگی کردن لنج

گستره دریا با آوای دلکش خود زیبایی خاصی به خود می‌گیرد آن‌ها با هر سفر دریایی با شور و شیدایی وصف ناپذیری ترانه‌ها و نغمه‌ها سر می‌دهند. نغمه بالاکشیدن لنگر- بالا بردن بادبان‌ها- پارو زدن و بالا بردن گرگور و تور از دریا به آنان ندای امید به برکت و خیر می‌دهد. زیباترین و پرشورترین سمفونی موسیقی و آواز نزد بوشهریان به هنگام به آب انداختن لنج می‌باشد که اصطلاحاً به آن «راگی» می‌گویند. البته قبل از هر چیز باید گفت که در هنگام راگی «Ragi» کردن لنج اوشار و ماگله‌ها را به مواد روغنی آغشته می‌کردند، تا لنج با کمترین نیرو به سمت دریا حرکت کند و به آب انداخته شود. در هنگام اوشار کردن لنج یکی از موارد بسیار مهم توجه به «مد» آب دریاست. زیرا زمانی لنج را راگی می‌کنند که دریا بیشترین مد را داشته باشد. که اصطلاحاً به آن آب حَمَل می‌گفتند. در روز پانزدهم هر ماه که دریا بیشترین مد را به خود می‌گیرد دریا حمل بود. اما اگر دریا جزر می‌شد یا به گونه‌ای دریا خالی می‌رفت که بخش عمده‌ای از ساحل پیدا می‌گردید. اصطلاحاً می‌گفتند دریا «گسران» است یعنی دریا کم آب است. در این هنگام راگی کردن لنج سخت و با زحمت و مشقت بسیار انجام می‌شود.

جشن راگی کردن

همسر صاحب لنج، حنا خیس می‌کرد. شیرینی و نقل در مجمعه می‌چید و شربت را در تنگ بلور لعابی آماده می‌کرد گوسفندی برای قربانی کردن خریداری می‌شد و آن را روی سینه لنج سر می‌بریدند. گروه نی ابنان و ضرب‌زن دعوت می‌شدند. دختران صاحب لنج همراه با مادرش لباس نو می‌پوشیدند و با خوش خلقی و سخاوت در کارها مشارکت می‌کردند. زن صاحب لنج گلدان حنا که چند شمع در آن می‌سوخت به داخل جمعیت زنان که دست می‌زدند و شادی می‌کردند می‌برد تا به نیت تبرک، چنگی از حنا برداشته و همراه خود به خانه برند. لنج با آواز هله حالی مردان دریا و ترنم کل زدن ممتد زنان و دختران و یزله جوانان به سوی دریا برده می‌شد. جشن راگی کردن لنج چند ساعتی به طول می‌انجامید. گروه جوانان به دو دسته مساوی و هم زور تقسیم شده و در طرف چپ و راست آن جای می‌گیرند. و بلافاصله یکی از آن‌ها که صدایش رساتر از دیگران است می‌گوید: «یا محمد (ص)» با شنیدن نام زور





نخستین به جهاز زده شده و به جلو رانده می‌شود. پس از تازه کردن نفس همگی جواب می‌دهند: «چه گفتی؟ او باز می‌گوید «یا محمد (ص)» و باز همه تکرار می‌کنند: چه گفتی؟ و باز زور دیگر را می‌زنند. سپس روال گفته‌شان شکل دیگر به خود می‌گیرد. بدین سان که از دو گروه جای گیر شده جهت تنوع بخشیدن به کار هم و ارج نهادن به پندارهای مذهبی خود. مطلب آهنگین دیگر را پی می‌گیرند: «عاشق النبی - صل علی» و دست‌هایی دیگر جمله و عبارت هم سنگ آنرا پاسخ داد. و می‌گوید «محمد و علی صل علی». و با این کار و تازه کردن نفس و زور زدن به کشتی گام به گام آن را از خشکی به آب می‌اندازند. این مردم آنچنان از شور مذهبی و آهنگ دلنشینی برخوردار است که نوای عرفانی آن زوج‌های جوان را برای آغاز زندگی خود بر آن می‌دارند تا جشن عروسیشان را در هنگام راگی کردن لنج همزمان کنند. تا همه چیز بوی تازگی و بدایت دهد. اهل دریا سوار بر جاشو (قایق) این جشن را هر چه زیباتر و شگفت انگیزتر انجام می‌دادند: زیرا اعتقاد داشتند که عهد و پیمان خود را با دریا در میان می‌گذاشتند تا دلی دریایی داشته باشند و از کتاب آموزنده دریا مهر و سخاوت بیاموزند. (بهرامی، ۱۳۹۰: ۱۴) این زوج‌ها پس از سالیان متمادی از ازدواجشان خود را صاحب فرزند نمی‌دیدند. باز دست به دامن دریا می‌شدند. که در سواحل دریای پارس اعتقاد به باروری انسان بر روی دریا جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ دریایی ساکنان آن دارد. در جوامع بشری برای هر فرد تشکیل خانواده و تولید نسل به عنوان ارزش‌های آن اجتماع امر بسیار مهمی تلقی می‌شود. و اینکه اگر فردی قدرت باروری نداشته باشد نشانه ضعف و ناتوانی آن شخص به حساب می‌آید. از این روی هر کجا که این نقص دیده شود. مردمان آن به فکر چاره‌جویی می‌افتند ساحل نشینان بوشهر نیز به پیروی از نیاکان خود از زمانهای دور، مراسم «دریا ما بر» را اجرا می‌کردند. و جالب اینکه نتیجه هم گرفتند. روند این مراسم به این شکل است که زن و مرد جوانی را که مدت‌هاست با یکدیگر ازدواج کرده‌اند و قدرت باروری ندارند آن‌ها را از دریا می‌گذرانند یعنی از «بری» (خشکی) به «بری» دیگر می‌برند (مثلاً از کنگ به قشم) و چند روزی در آنجا به استراحت می‌پرداختند و سپس به مبدأ باز می‌گشتند و پس از بازگشت به امید بچه‌دار شدن می‌ماندند. اعتقادی که به نسبت بر این باور وجود دارد بسیار جالب توجه است گویی دریا ما بر نسخه

حتمی این مشکل در نزد مردمان این خطه است و گپ تران (بزرگان) چنین می‌گویند: که تا بحال سابقه نداشته زن و شوهر جوانی که نابارور بوده‌اند و دریا ما بری را انجام دهند. بچه‌دار نشده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که اعتقاد به نیروی ما فوق طبیعی دریا در بارور ساختن انسان سهمی بزرگ و در خور دارد. (دریایی، ۱۳۸۴: ۶۸-۷۰)

آیین زار و اهل هوا

اهل هوا در باور عامه به کسانی می‌گویند که به تسخیر بادهای جادویی و مرموز و بیماری‌زا در آمده و از گزند آن‌ها رسته و آزاد شده‌اند. بوشهریان بر آن‌اند که اهل هوا در تمام طول عمر، مرکب بادهای رام شده در درون خود و میانجی و وسیله ارتباطی با آن‌ها هستند. مادام که اهل هوا از این بادهای فرمان می‌برند و خواسته‌ها و نیازهایشان را برآورد می‌کنند از گزند و آزار آن‌ها در امان‌اند. قبل از اسلام - باد یا هوا یکی از اسرار آمیزترین خدایان هند و ایران بوده است. در ایران باستان ایرانیان به دو باد با شخصیتی واحد. لیکن با سیما و شخصیتی دو گانه اعتقاد داشتند و یکی را ایزد سودرسان (ایزد ویو) و دیگری را دیو زیانکار (دیو و یو) می‌انگاشتند. (خلف تبریزی، ۱۳۶۱: ۴۱) از ایزد و یو در «رام شیت» (پانزدهمین شیت از اوستا) و از دیو و یو همراه با دیوگرد «آشتویزتو در کتاب دندیداد نام برده شده است. (پور داوود، ۱۳۴۷: ۱۷)

دیو هراس انگیز و بی‌رحم بود و با مرگ پیوند داشت و کسی را از او گریز نبود. خشنود کردن او آدمی زادگان را از حمله آفت‌ها می‌رهاند. باور به ثنویت و به دو سیمای خیر و شر، اندیشه‌ای آریایی بود و ظاهراً به دوره هند و ایرانی می‌رسد. این پنداشت در فرهنگ اعتقادی ایرانیان از دیرباز وجود داشته و از خصوصیات شیوه تفکر ایرانی بوده است. (توکلی، ۱۳۶۱: ۷۳) بعد از اسلام - با ظهور اسلام این پنداشته‌ای ابتدایی، برخی اعتقادات دینی در آمیخت و پنداشت به ثنویت بادهای را در اندیشه و ذهن مردم مسلمان نیز پدید آمد. در فرهنگ اسلامی برداشتی کم و بیش مشابه «جن» درباره باد وجود دارد.





(رسولی، ۱۳۵۶: ۱۳۷) مجلسی بنا بر حدیثی: باد را کنایه از جن گرفته و آن را «باد جن» نامیده و بیماری «ریح الصبیان» یا باد کودکان را در اثر باد جن دانسته است.

مردم ساحل نشین جنوب ایران ارواح و جن‌ها را به صورت باد می‌پندارند و معتقدند که هر بادی جنسی دارد که با آن به درون جسم آدمزادگان می‌رود و آن‌ها را تسخیر و هوایی می‌کند. اینان جن بادهای خطرناک و موذی و آسیب رسان را «مضراتی» می‌نامند. به عقیده اهل هوا شخص مُسَخَّر باد یا «بادزده» «جن زده» اختیارش را از دست می‌دهد و به بیماری دیوباد یعنی جنون و دیوانگی دچار می‌شود و به صورت مرکب و فرس باد در می‌آید (به صورت اسب و استر در آمدن مردان و زنان مسخر روح در میان اقوام مسلمان هوسا در آفریقای غربی و قبایل سدّامو در جنوب حبشه) اهل هوا. این بیماران را «هوایی» و بادهای سوار بر مرکب یا بیماران را در زبان سواحلی «په په» و در عربی «دهبوب» فی ضد. بادهای بنا بر حوزه جغرافیایی و شکل و ویژگی و شیوه عمل به چند گروه تقسیم می‌شوند. برخی از پژوهشگران، بادهای پراکنده در سواحل و جزایر خلیج فارس را به ۷ گروه و ریاحی بادهای پراکنده در بلوچستان را به ۵ گروه تقسیم می‌کنند. مردم سواحل خلیج فارس خاصه بوشهر بیش از ۷۲ نوع باد را می‌شناسند و بادهای را به دو دسته مسلمان و کافر نیز تقسیم کرده‌اند. بادهای مسلمان را صالح و بینا می‌پندارند. این باد با چشم باز راه می‌رود و از همه چیز آگاه است. اگر بتوانند آن را از مرکبش پائین بیاورند و تسخیرش کنند از تمام دنیا خبر می‌دهد. (ساعدی، ۱۳۵۵: ۱۲۱/۱ و ۹۰-۸۹-۸۶-۸۴). این بادهای را اهل هوا باد صاف و آرام و بی‌زیان می‌دانند و بادهای کافر را کور و ناصالح می‌پندارند. باد کافر هر چیز را در سر راه خود ویران می‌کند و بلای جان دریانوردان و کشتی‌رانان است. و بعد از ملموس شدن و نزدیک شدن این باد به سمت لنج و کشتی فوراً بادبان‌ها را به پائین می‌کشند. سکان را محکم نگه می‌دارند و به ذکر ادعیه مقدس مشغول می‌شوند تا شر آن را از خود دور نگه دارند تا مبادا که هلاک شوند. بادهای مشایخ و بادهای مسلمان به صورت یک پیوند روحانی در میان ساحل نشینان دارای مقامی بس بزرگ هستند که صاحب‌زار و قدمگاه هستند. (ریاحی ۱۳۵۶: ۲۸/۱) اهل هوا بادهای مشایخ را ارواح شیوخ و پیران عباد و زهاد می‌دانند که میان قوم و مردم خود منزلت و اعتبار قدسیانه

داشته‌اند. امروز قدمگاه مخصوص این مشایخ زیارتگاه مریدان و دردمندان و بیماران گرفتار باد زدگان است. هر چند که امروزه کمتر کسی معتقد به نیروی جادویی این قدمگاه‌ها هستند و زیارتگه آنان به تلی از ویرانه تبدیل شده است نسل امروز این حکایت‌ها را عاری از افسانه نمی‌پندارند. اما هستند کسانی که در آن خطه آنجا که باور بر جن‌زدگی و بادزار رواج دارد برای تسخیر باد-جن-روح-مراسمی برپا می‌کنند که عموماً جنبه نمایشی دارد. مراسم عموماً با انداختن سفره، غرفه خوراک و قربانی-روغن مالی بر بدن بیمار-کوبش طبل و دهل و نواختن برخی سازهای بادی و زهی و حرکات و رقص‌های آئینی همراه با هیجان همراه‌اند. (ساعدی، ۱۳۵۵: ۷۸-۷۹/۱) در بیشتر این مجالس بادزدایی زنان و مردان با هم شرکت می‌کنند. سازه‌های ذکر شده در اجراء مراسم حکم منسوبان به باند و مقدس (ریاحی ۱۳۵۶: ۱/۱۶) و محترم‌اند. این مجالس با سلام و صلوات و یاد خدا و حضرت رسول و ائمه اطهار آغاز می‌شوند. و در مجالس بادهای کافر مانند زار- از ذکر نام خدا و رسول و ائمه ۴۰ پرهیز می‌کنند و یاد مقدسان را مانع به زیر آمدن بادها می‌پندارند. این است از مراسمات بیشتر قربانیان خود را از دریا می‌گیرند و کشتی و اوشاری که گرفتار طوفان خبیث شده‌اند از شکل باد و نواختن آن آداب مداوا و رفع حلول و مراسمات بخصوص آن متغیر می‌شود. (ساعدی، ۱۳۵۵: ۷۷/۱-۵۷-۵۴)

سایر باورهای عامیانه بوشهریان

- یکی از باورهای دریانوردان در گذشته که امروز هم کم و بیش بین معمرین آن رواج دارد این است که اگر دریا طوفانی است و مدت زمان طوفان از حد معمول طولانی تر گردد نشانه این است که جسد مرده‌ای کافر در دریاست که تا از دریا گرفته نشود یا از بین نرود طوفان همچنان ادامه خواهد داشت.

- وقتی لنج‌های بزرگ باری در گذشته به مسافرت‌های دور و درازی مانند سواحل هند یا چین یا شرق آفریقا می‌رفتند و در مدت غیبت از بندر که گاهی شش ماه و حتی یکسال طول می‌کشید و هنگام بازگشت تقریبی آن‌ها مدام با باد و طوفان‌های شدید مواجه می‌شدند و در اصطلاح باد بند نمی‌آمد یا





بقول بوشهری‌ها "باد نمی‌خوابید" زن‌های محل که شوهرانشان به مسافرت رفته بودند. می‌رفتند و دم در خانه یهودیان چیزهای ناجور می‌چسبانند تا باد به اصطلاح بخوابد!

- یکی دیگر از باورهای دریانوردان که ناشی از اعتقادات دینی آن‌هاست. این است که لنج باید پاک باشد • بنابراین اگر در یکی از روزهای صید • لنجی صیدی نداشت یا بسیار کم صید بود به گمان ناخدا یکی از افراد حاضر در لنج (سرش حروم باشد) ! یعنی مثلاً: با همسرش نزدیکی کرده و خودش را طاهر نکرده و همین امر باعث عدم برکت لنج می‌شود!

- از نظر دریانوردان ریزش بارن باعث صید بیشتر و برکت بیشتر دریانوردان می‌شود (که این باور از نظر علمی هم درست است زیرا که باران با خود رسوب رودخانه را که محتوی موادغذایی ست به داخل دریا می‌ریزند و همین امر باعث تجمع تجمع مای‌ها و صید فراوان می‌شود و همین امر در مورد بادها هم صدق می‌کند. کما اینکه بادهای خنک و شمال ماهی‌ها را به ساحل نزدیک‌تر و باد گرم (قوس جنوب) ماهی‌ها را از ساحل دور و پراکنده می‌کند.

نتیجه‌گیری

دریا از دیرباز نه فقط محل تجّارت و سیاحت و سیاست بود که نقطه تلاقی با آداب و سنن مختلف نیز بوده است نحوه برخورد و مشاهده انسان‌ها با رفتارهای متفاوت اجتماعی که بیانگر سبک خاصی از زندگی و یا تعامل با نیروهای طبیعی‌ست. بر نگاه کنجکاوگرایانه بشر تأثیرات شگرف و پرنفوذی داشته، تا جایی که پذیرش و یا باور ضدی خردمندانه آن در لایه‌های حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بصورت امری محتوم جا خوش کرده است. و بی‌گمان که یافتن مبدأ و منشأ هر یک از این عادات و رفتارهای متشابه از ملل متفاوت چون کلافی سردرگم سخت و چه بسا غیر ممکن بنظر می‌رسد.

خلیج فارس نیز از این قاعده نه تنها مستثنی نیست که نقش آن بارز و بسزاست. چنانچه بنا بر قرار داشتن بر شاهراه جغرافیایی جهان، هدف پیکان این تعاملات و تصادمات بوده و خواهد بود. مقاله حاضر سعی در معرفی استان بوشهر از نظرگاه یک جغرافیای پویای فرهنگی در منطقه خلیج فارس را

دارد. مشخصه‌هایی که از دریا سرچشمه می‌گیرد، بنا دارد نقش این شالوده را در آداب و رسوم مردم کرانه نشین بوشهر در پس قرن‌ها مه آلودگی تاریخی بیابد. نقدش دریا در قوام ایمان به یک نیروی ما فوق بشری-نیروی پی‌ریزی خانواده و روزی دهند و همبستگی و شادی و طرب و حاصلخیزی، یا آن سو تر، هول و غضب و سیل و قحطی و حزن‌انگیزی، به کرات در تمام شئون رفتار اهل این خطه یافت می‌شود. نگارنده نیز تا به هنگامی که منابع و اخبار کتبی و شفاهی در خلق این سیاهه یاری می‌کرد، برخی از عادات و رسومات و فلسفه ایجاد آن در ترد بوشهریان را در این مقاله به صورت موجز آورده است. امید که این نوشتار همچونکه آئین‌های شکسته، بارقه‌ایی از فرهنگ غنی آن کهن خطه را بازگو کرده باشد.

منابع

- احمدی ریشه‌ری، عبدالحسین (۱۳۷۵). سنگستان، ج ۱، بوشهر: انجمن ایرانیان.
- بهرامی، منصور (۱۳۹۰). نیمه سمفونی دریا، تهران: آئینه
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۱). التفهیم الاوائل الصناعه التنجیم، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.
- بطروفسکی (۱۳۵۱). اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- پور داوود، ابراهیم (۱۳۴۷). تعلیقات بر شیت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی تهران: بی نا
- _____ (۱۳۸۰). آناهیتا، بکوشش مرتضی گرجی، تهران: افراسیاب.
- توکلی، محمد کاظم (۱۳۶۱). مسلمان مورو، تهران: امیرکبیر.
- خلف تبریزی، محمد حسین بن (۱۳۶۱). برهان قاطع، بکوشش محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- خیام نیشابوری، ابوالفتح عمر ابن ابراهیم (۱۳۷۹). نورزونا، به کوشش علی صفوری، تهران: نشر چشمه.
- رامهرمزی، ناخدا بزرگ (۱۳۴۸). عجایب هند، ترجمه محمد ملک زاده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۵). دریانوردی ایرانیان، ج ۱، تهران: جاوید.



- رسولی، هاشم (۱۳۵۶). حواشی بر اصول کافی کلینی، تهران: علمیه اسلامیه.
- روزنامه وقایع الاتفاقیه، نمره ۳۶۴، سال ۱۲۷۴ هـ.ق.
- ریاحی علی (۱۳۵۶). باد زار، ج ۱، تهران: بلوچ.
- ساعدی، غلامحسین (۱۳۵۵) اهل هوا، ج ۱، تهران: بی نا.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی (۱۳۷۱). سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس، تصحیح احمد اقتداری، تهران: جهان معاصر
- نرشخی، ابوبکر محمد ابن جعفر (۱۳۵۱). تاریخ بخارا، ترجمه محمد بن قبادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- نوری دریایی احمد (۱۳۸۴). مراسم آئینی و فولکلور بندر کنگ، بی جا: احسان.
- وثوقی، محمد باقر و خیر اندیش، عبدالرسول (۱۳۹۴). مجموعه مقالات «نوروز دریا» خلیج فارس، فرهنگ و تمدن، تهران: خانه کتاب.
- وداوی، حمید (فروردین ۱۳۸۹). «نمادگرایی در فرهنگ دریایی کشور»، پیام دریا، بی جا: بی نا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

